

حمله های نظامی را متوقف کنید

دیپلماسی جهانی برای اعلام هرچه زودتر آتش
بس فعال شود

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان، جنایتکاران جنگی
و مدافعین حمله های نظامی

سرنگون باد حکومت های جنگ طلب و دیکتاتور

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا - اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت جنایتکار اسلامی در ایران

- چگونه از نوجوانان در شرایط پراضطراب حمایت کنیم؟

- یادداشتی از تهران زیر انفجار

- بیانیه یونیسف در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

کشته شدن کودکان و نوجوانان در پی تشدید درگیری ها در ایران، نشانه شدت و بی رحمی جنگ
است

- لیست اسامی هفت روزنامه نگار زندانی در ایران

- مرخصی یک هفته ای شریفه محمدی فعال کارگری از زندان لاکان رشت

- معلم بازنشسته کیومرث واعظی و مهدی باقری به مرخصی آمدند

- مرگ و مصدومیت 6 کارگر سازمان فنی و حرفه ای همدان بر اثر حمله هوایی آمریکا - اسرائیل

- مرگ ومصدومیت 3 کارگر معدن زغالسنگ بخش کجور شهرستان نوشهر بر اثر ریزش آوار

*** چگونه از نوجوانان در شرایط پراضطراب حمایت کنیم؟**

- در گذر از موقعیت‌های سخت، همراه و حامی نوجوان خود باشید.

چه رابطه شما با فرزند نوجوانتان خوب است و چه با چالش‌هایی روبرو هستید، در شرایط پر استرس، مهم است که نشان دهید آن‌ها را دوست دارید و از آن‌ها حمایت می‌کنید.

- از خودتان مراقبت کنید.

خودمراقبتی به سلامت روان شما کمک می‌کند و الگوی مثبتی برای نوجوانتان است.

روزانه زمانی را با افرادی بگذرانید که شما را درک و از شما حمایت می‌کنند. حتی در روزهای پرمشغله، زمانی را به کارهایی اختصاص دهید که به آرامش و رفاه شما کمک می‌کند.

- برای حمایت از فرزند نوجوان خود، وقت بگذارید و با او روراست باشید.

سعی کنید زمان و فضای مناسب را در اختیار نوجوان خود قرار دهید تا خودش باشد و مسئولیت بیشتری به عهده بگیرد. به آن‌ها نگویید چه کاری انجام دهند و فقط در کنارشان باشید.

با او روراست باشید: می‌توانید به او بگویید که شما هم استرس زیادی دارید. این کار به آن‌ها کمک می‌کند که از نحوه برخورد شما با احساسات دشوار الگوبرداری کنند و بهتر با آن‌ها کنار بیایند.

- نوجوان خود را تشویق کنید تا احساسات خود را به اشتراک بگذارد.

از او درباره این‌که روزش را چگونه گذرانده پرسید یا با او فعالیت‌های مشترک انجام دهید. با این کار، فرصت گفتگو با او را ایجاد کنید.

به او اطمینان دهید که همیشه در کنارش هستید و آماده شنیدن احساسات او هستید. سعی کنید شرایط او را درک کنید و با گفتن جملاتی مانند «می‌فهمم» یا «منطقیه»، همدلی خود را نشان دهید.

به جای تمرکز بر اشتباهات، موفقیت‌ها و کارهای مثبت او را تحسین کنید، حتی اگر کوچک یا ساده باشد.

*** یادداشتی از تهران زیر انفجار**

چند روز، چند هفته، چند سال باید بمباران را تاب بیاوریم؟ چقدر ناامنی و دزدی و جنایت و تصادف و بیماری را در شهری بدون کلانتری و بدون آمبولانس باید به‌تنهایی مدیریت کنیم؟ چند کودک و زن و مرد بی‌دفاع باید کشته شوند؟ عدد بده! به چه عددی باید برسیم تا بگویید کافی است، جنگ دیگر نمی‌صرفد؟

نمی‌دانم امروز چندمین روز جنگ است. زمان معنایش را از دست داده. این روزها دسترسی نداشتن به اینترنت برایم ترسناکتر از صدای بمب و موشک است. شاید چون در خانه‌ای نسبتاً امن در کنار عزیزانم هستم و هنوز نتایج فاجعه‌ی جنگ به من نرسیده. همین حالا که این‌ها را می‌نویسم، ساعت ۱۱ صبح است و از دوردست صدای انفجار ممتد به گوش می‌رسد.

به مردمی فکر می‌کنم که خانه‌هایشان و حتی جان‌هایشان را از دست داده‌اند و دیگر کسی با صدایی دراماتیک و موزیکی متین و سوزناک «جاویدنام» و «فرزند ایران» صدایشان نمی‌کند؛ خلاصه و مختصر می‌گویند: «تلفات غیرنظامی». به کارگران روزمزدی فکر می‌کنم که جان به کف در خیابان دنبال لقمه‌ای نان هستند. به کارمندانی که محترمانه و به اسم تعدیل نیرو اخراج شده‌اند. به تمام بیزینس‌های ورشکسته، به بیمارانی فکر می‌کنم که در این آشوب درمان را رها کرده‌اند، به نبودن گران بودن داروهای خاص و تکتک بیمارانی که بی‌صدا دارند می‌میرند.

کارگران و کارمندان بیکار، بیماران در حال مرگ و ما مردم معمولی که در نبود اینترنت و نبود فضای امن برای تجمع و در آغوش گرفتن هم، حسی عمیق از تنهایی و تعلیق و خفقان را بر دوش می‌کشیم. این‌ها که گفتم حتی در تلفات جنگ هم حساب نمی‌کنند. ما مردم معمولی‌ای هستیم که هرکسی به خودش اجازه می‌دهد نه تنها صدا، که موجودیتمان را انکار کند. هرکسی به خودش اجازه می‌دهد قیم ما باشد، صدای ما باشد.

شب‌ها به شکلی عجیب آرام و عمیق می‌خوابم و کم پیش می‌آید به خاطر انفجارهای شبانه از خواب بیدار شوم. در روز هم ظاهراً در تلاشی بی‌پایان می‌خواهم به خودم ثابت کنم زندگی ادامه دارد و به کوچک‌ترین امکان‌هایی که در این هرج‌ومرج کمی حس کنترل به من بدهد چنگ می‌زنم؛ چیزهای کوچکی مثل باشگاه رفتن، کتاب خواندن، پیاده‌روی کردن. اما بدنم فریاد می‌زند: دروغ نگو، هیچ‌چیز عادی نیست، روتین جواب نمی‌دهد و تو حالت خوب نیست. بدنم هیچ‌وقت دروغ نمی‌گوید.

این روزها انگار که از مستی دیوانه‌واری بیدار شده باشم، سرم سنگین است و کمی درد می‌کند. همه‌چیز گنگ و کند شده، انگار در خواب راه می‌روم و تلاش می‌کنم سر در بیاورم که این کابوس از کجا شروع شده و من کجا هستم. هفته‌هاست در همین حالت‌ام، شاید هم سال‌ها. گفتم که زمان معنایش را از دست داده است. مه آنقدر غلیظ است که حتی جلوی پایم را هم نمی‌توانم ببینم. رسانه‌ها هم بی‌عرضگی و پوچی خودشان را عیان کردند. این روزها همه دروغ می‌گویند و پیدا کردن راهی برای نشان دادن آنچه بر ما می‌گذرد، بسیار سخت‌تر از همیشه شده.

شکمم ورم کرده، روده‌هایم ملتهب شده، انگار حامله‌ام. حامل رنجی عظیم به نام زیستن در میانه‌ی جنگ، حامل خشمی عظیم از این مثلث جنون: جمهوری اسلامی، اسرائیل و ترامپ. پزشکان می‌گویند اسمش «سندروم روده‌ی تحریک‌پذیر» است و به خاطر استرس عود کرده. گفتم که بدنم هیچ‌وقت دروغ نمی‌گوید. هرچقدر هم ظاهری آرام و معقول به دیگران نشان می‌دهم و می‌گویم همه‌چیز در کنترل است، بدنم می‌داند در چه هرج‌ومرج پُر استرسی هستم.

انگار همین دیروز دی‌ماه بود، همان روزهایی که رؤیاهایم بوی خون داد و هر شب چشم که برهم می‌گذاشتم، نوزادی را در آغوش می‌گرفتم و تا صبح سرگردان راه می‌رفتم و کسی در سرم فریاد می‌زد: حتی به قیمت جانم باید او را امن و آرام نگه داری! این روزها اما دیگر هیچ خوابی نمی‌بینم، اما هر روز چشم که باز می‌کنم، ایرانم را می‌بینم که خسته و زخمی و تنه‌است و فقط نگاهم می‌کند. می‌خواهم در آغوش بگیرمش و نمی‌توانم. پس می‌نویسم، تا به مدد واژه‌ها به آغوشم وسعت دهم که تمام ایرانم را در بر بگیرد.

اما واژه‌ها هم گاهی کم می‌آورند. به شکم ورم‌کرده‌ام نگاه می‌کنم و فکر می‌کنم چه حجمی از حرف‌های خفه‌شده در آن جمع شده است. می‌خواهم همه‌اش را بیرون بریزم، می‌خواهم فریاد بزوم و بگویم: مرا ببینید، من زنده‌ام، من انسانم، من در میانه‌ی مثلث جنون در تقلا هستم و هنوز و همچنان به هر شکلی از استبداد، جنگ و فاشیسم «نه» می‌گویم. اما کسی صدایم را نمی‌شنود.

به خودم می‌پیچم، واژه‌ها تکه‌پاره و گنگ از دهانم بیرون می‌آیند: نه! نه! نه! نه به جنگ! بووووم... انفجار پشت انفجار و هلهله و جشن جنگ‌طلبان.

نه به استبداد! ویراژ موتورسوارهای لیبیک‌گو و اسلحه‌بهدست که به کشتن امثال من افتخار می‌کنند. نه به فاشیسم! و عربده‌های بلند و توخالی فاشیست‌هایی که جان و آزادی‌ام که هیچ، حتی به واژه‌هایم هم حمله‌ور می‌شوند.

و من در میانه‌ی این جنون، تنها امیدم همچنان به خرد مردم ایران است. این جنون صدایش بلند و کرکننده است و هرچند ویران می‌کند، اما توخالی است. صدای خرد اما آرام و مداوم است. در هنگامه‌ی جنون، زمانی که هیولاهای مرگ در هزاران لباس مبدل به زندگی حمله کرده‌اند، من همچنان ایمان دارم به «زن، زندگی، آزادی». به خرد و بینشی که آرام و مداوم و بی‌توجه به عربده‌های مرگ‌خواهان جریان دارد و جریان خواهد داشت و امیدوارم روزی نه‌چندان دور پیروز شود.

اما بسیار خسته‌ام و گاه حتی بسیار، بسیار ناامید. اما سرزمین من قرن‌هاست پابرجاست و فرهنگ و تمدن را هیچ‌چیز نمی‌تواند به تمامی و برای همیشه نابود کند. ما زنده می‌مانیم، حتی اگر من در هجوم دیوانه‌وار این مثلث جنون به تن و روانم زنده نمانم.

همین لحظه که خواستم نقطه پایان متنم را بگذارم، صدای بلند و وحشی جنگنده‌ای را بالای سرم حس کردم و بعد از آن دو انفجار بسیار مهیب در نزدیکی خانه‌ام. گفته بودم این روزها دسترسی نداشتن به اینترنت برایم ترسناک‌تر از صدای بمب و موشک است. شاید چون در خانه‌ای نسبتاً امن در کنار عزیزانم هستم. حالا، به فاصله کمتر از نیم‌ساعت از نوشتن این جمله، نمی‌دانم هنوز هم می‌توانم از عبارت «خانه‌ای نسبتاً امن» استفاده کنم یا نه.

منبع گزارش: رایو زمانه

***بیانیه یونیسف در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا**

کشته شدن کودکان و نوجوانان در پی تشدید درگیری‌ها در ایران، نشانه شدت و بی‌رحمی جنگ است

06 مارس 2026

یونیسف عمیقاً نگران پیامدهای مرگبار تشدید درگیری‌های نظامی جاری در ایران بر کودکان و نوجوانان است. گزارش‌ها حاکی از آن است که حدود ۱۸۰ کودک و نوجوان در ایران کشته و شمار بیشتری نیز زخمی شده‌اند.

در میان قربانیان، ۱۶۸ دختر دانش‌آموز قرار دارند که در تاریخ 9 اسفند، زمانی که کلاس‌های درس در حال برگزاری بودند، در پی حمله‌ای که به دبستان دخترانه «شجره طیبه» در میناب در جنوب ایران صورت گرفت، جان خود را از دست دادند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که بیشتر کشته‌شدگان، دانش‌آموزان ۷ تا ۱۲ ساله بوده‌اند. علاوه بر این، ۱۲ کودک و نوجوان دیگر نیز در مدارس دیگری در پنج نقطه مختلف ایران کشته شده‌اند.

این تلفات، یادآوری تلخ و آشکار از خشونت و بی‌رحمی جنگ علیه کودکان و نوجوانان است که خانواده‌ها و جوامع را تا نسل‌های بعد تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کودکان و مدارس بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد حمایت قرار دارند. مدارس باید مکان‌هایی امن باشند.

با ادامه حملات نظامی در سراسر منطقه، کودکان بیش از پیش در معرض خشونت قرار می‌گیرند و آسیب به زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی، تهدیدی مستقیم برای سلامت و رفاه آنان ایجاد می‌کند. گزارش شده است که دست‌کم ۲۰ مدرسه و ۱۰ بیمارستان در ایران آسیب دیده‌اند که این امر دسترسی کودکان به آموزش و خدمات حیاتی بهداشتی را مختل می‌کند.

یونیسف فوراً از همه طرف‌ها می‌خواهد که به تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی پایبند باشند و حفاظت از جان غیرنظامیان را تضمین کنند. طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جان و رفاه کودکان و نوجوانان باید همواره مورد حفاظت و حمایت قرار گیرد.

یونیسف به صورت پیوسته، وضعیت را از نزدیک زیر نظر دارد و آماده است تا از تلاش‌های بشردوستانه برای کمک به کودکان و خانواده‌هایی که از تشدید خشونت‌ها آسیب دیده‌اند، حمایت کند.

***لیست اسامی هفت روزنامه‌نگار زندانی در ایران**

چهارشنبه 27 اسفند 1404

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در راستای فعالیت‌های خود، به صورت هفتگی لیست به روز رسانی شده از روزنامه‌نگاران زندانی در ایران را منتشر می‌کند.

هفت روزنامه‌نگاری که هم اکنون در ایران زندانی هستند عبارتند از:

۱. رضا ولی‌زاده، خبرنگار سابق رادیو فردا که از اسفندماه گذشته به ایران سفر کرده بود، اوایل مهرماه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.
 ۲. محمد پارسی، سردبیر نشریه کندو روز چهارشنبه ۱۵ بهمن‌ماه و در پی احضار به دادسرای فرهنگ و رسانه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.
 ۳. آرتین غضنفری، عکاس خبری روز ۱۹ دی‌ماه از سوی نیروهای امنیتی در منزل مسکونی خود در مشهد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.
 ۴. سمیه حیدری، خبرنگار نشریه یول در تبریز روز یکشنبه ۱۲ بهمن‌ماه از سوی نیروهای امنیتی در منزل شخصی‌اش خود بازداشت شد.
 ۵. پدram علمداری، سردبیر نشریه یول در تبریز روز یکشنبه ۱۲ بهمن‌ماه از سوی نیروهای امنیتی در منزل شخصی‌اش خود بازداشت شد.
 ۶. کیانوش درویشی، روزنامه‌نگار و خبرنگار سابق انصاف نیوز در پی احضار از سوی اطلاعات سپاه روز ۲۷ بهمن‌ماه بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شد.
 ۷. مسلم زارعی روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی روز سه‌شنبه ۲۶ اسفندماه توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در کرمانشاه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.
- فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در بیانیه‌هایی که پیش از این منتشر کرده، بارها سرکوب رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در ایران را محکوم کرده است.

توضیح در مورد شناخت افراد به عنوان روزنامه‌نگار در این لیست‌ها:

بر اساس تعاریف نهادهای صنفی و کارگری در ایران و همچنین قواعد فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، ما تنها افرادی را که دست‌کم در سه سال گذشته در یک رسانه مشغول به فعالیت باشند و یا در این حرفه دارای سابقه بسیار طولانی بوده و نامدار باشند را به عنوان روزنامه‌نگار پوشش می‌دهیم و همکاران رسانه‌ای که مدیر مسوول یا مدیر کانال‌های خبری هستند را با عنوان فعال رسانه‌ای معرفی می‌کنیم. البته این تنها آمار منتشر شده از منابع رسمی است و احتمال وجود افراد بیشتر در زندان به دلیل عدم شفافیت مقامات ایران در مورد روزنامه‌نگاران وجود دارد.

***مرخصی یک‌هفته‌ای شریفه محمدی فعال کارگری از زندان لاکان رشت**

برپایه گزارش‌های منتشره در شبکه‌های اجتماعی، روز چهارشنبه ۲۷ اسفند، شریفه محمدی فعال کارگری برای یک هفته از زندان لاکان رشت به مرخصی اعزام شد.

***معلم بازنشسته کیومرث واعظی و مهدی باقری به مرخصی آمدند**

بنا به گزارش رسیده به شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، با موافقت قاضی پرونده و تودیع وثیقه، #کیومرث_واعظی معلم بازنشسته شهرستان سنقر که به ۵ سال حبس تعزیری محکوم

شده و #مهدی_باقری دیگر زندانی سیاسی از زندان دیزل آباد کرمانشاه به مرخصی آمدند. گفته می‌شود مدت این مرخصی ۱۵ روز تعیین شده است.

***مرگ و مصدومیت 6 کارگرسازمان فنی و حرفه‌ای همدان بر اثر حمله هوایی آمریکا - اسرائیل**

روز سه شنبه 26 اسفند، بر اثر حمله هوایی آمریکا - اسرائیل و بمباران مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای برادران شماره 6 همدان 2 کارگر جان خود را از دست دادند و 4 کارگر دیگر مصدوم و در بیمارستان بستری شدند.

***مرگ و مصدومیت 3 کارگر معدن زغال‌سنگ بخش کجور شهرستان نوشهر بر اثر ریزش آوار**

روزیکشنبه 24 اسفند، بر اثر ریزش آوار در یک معدن زغال‌سنگ در منطقه نهرودبار بخش کجور، شهرستان نوشهر، استان مازندران یک کارگر جان باخت و دو کارگر دیگر مصدوم و به یکی از مراکز درمانی منتقل شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com